



مهدی مرجی
دبیر دینی و قرآن

کارگاه حلمسئله

کارگاه مهارت روش حل مسئله در قرآن

دلایل اجمالی آن شناخته بود... می‌خواست از طریق استدلالات روشن تر عقلی به حق یقین برسد.^۲

۴- ساختن فرضیه دوم و آزمون آن: وقتی حضرت ابراهیم (ع) از آزمون فرضیه اول گذشته و به فرضیه دوم یعنی مشاهده ماه می‌رسد، ماه را بزرگ تر و منور تر از ستاره می‌بیند. باز شروع به فرضیه سازی می‌کند و می‌گوید: (هذا ربی): یعنی این پرورش دهنده من است.

۵- ساختن فرضیه سوم و آزمون آن: فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی هذا اکبر فلما افلت قال یا قوم انی بری مما تشرکون.

۶- رسیدن به نتیجه یا استنتاج: انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفا و ما انا من المشرکین [انعام/ ۷۹].

پی‌نوشت

۱. در این مرحله از طرف خداوند معرفت و زمینه‌های رشد به حضرت ابراهیم افزوده می‌شود (سوره انبیا - آیه ۵۶)
۲. هم‌چنان که در جریان معاد نیز عرض کرد: و اذ قال ابراهیم رب ارنی کیف تحیی الموتی؟ پروردگارا به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟
۳. می‌خواست شخصا درباره خداشناسی و معاد بیندیشد و معبودی را که در فطرت پاک خویش و در اعماق جانش می‌یافت، پیدا کند.

۱- تشخیص مسئله: اولین گام برای حل هر مسئله، تشخیص خود مسئله است و این روش در قرآن به زیبایی نشان داده شده است: اذ قال ابراهیم لابیہ ازرتخذانما الہہ انی ارئک و قومک فی ضلال مبین [انعام/ ۷۴]: حضرت ابراهیم وقتی قوم خود را در گمراهی دید، تصمیم گرفت آن‌ها را از طریق مشاهده، به معرفت حقیقی یا توحید دعوت کند و خود هم به یقین برسد. بنابراین، توحید به عنوان نوعی معرفت حقیقی، مسئله‌ای است که ایشان تشخیص دادند.

۲- کسب معرفت برای یافتن راه حل: افزای معرفت از طرف خداوند به حضرت ابراهیم (ع)^۱. کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض لیکون من الموقنین [انعام/ ۷۴]. یعنی این چنین ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا اهل یقین گردد.

۳- ساختن فرضیه اول و آزمون آن: فلما جن علیه اللیل رءاکوکبا قال هذا ربی، فلما افل قال لا احب الافلین [انعام/ ۷۴]: یعنی وقتی ستاره را دید (که نورانی هم بود) گفت، این پروردگار من است (البته به صورت فرضیه و برای تفکر و اندیشه) [انعام/ ۷۵]. زیرا او خداوند را با نور عقل فطری خود و با